بازیگران نقش اول

ملکی، عباس

خط لوله حوزه نفتی کاشغان‏ به سمت جنوب برای مشتریان‏ آسیایی مقرون به صرفه است و از لحاظ امنیت انرژی نیز از نقاط بحرانی جهان می‏تواند به دور باشد13

کمبود نفت خام برای‏ تغذیه خط باکو-جیحان‏ امری جدی است و شرکت‏های‏ سرمایه‏گذار در این خط نسبت به سودآوری آن دچار تردیدند14

خزر،مسیری تازه و کارآمد برای ارتباطات اقتصادی و سیاسی است‏ بازیگران نقش اول‏15

عباس ملکی‏ رؤسای جمهور روسیه،قزاقستان و ترکمنستان در شهر ساحلی ترکمن‏باشی در کنار دریای خزر و توافقنامه‏ احداث خط لوله‏ای برای صدور گاز ترکمنستان از طریق‏ قزاقستان به روسیه را امضا کردند.روسیه دارای‏ قراردادی با ترکمنسات است که به این کشور اجازه‏ می‏دهد تا سقف 100 میلیارد متر مکعب گاز ترکمنستان‏ را سالانه خریداری و در شبکه داخلی روسیه آن را مصرف و یا به دیگر کشورها از جمله کشورهای اروپایی‏ صادر نماید.

به صورت کلی ذخائر انرژی در دریای خزر از دو مشخصه برخوردارند؛اول آنکه این ذخائر به بازارهای‏ تقاضای انرژی‏های هیدروکربوری نزدیک‏اند.مثلا منابع نفت و گاز خزر به بازارهای کلاسیک نفت و گاز مانند کشورهای بازار مشترک اروپا نزدیک هستند. همچنین اعضای جدید اتحادیه اروپایی مانند مجارستان، لهستان،کشورهای بالتیک و در مجموع 12 عضو جدید اتحادیه اروپایی از اروپای مرکزی و شرقی نیاز بیشتر را به انرژی برای رسیدن به توسعه‏ای همپای کشورهایی‏ مانند آلمان و فرانسه احساس می‏کنند.نزدیک‏ترین‏ ذخائر نفت و گاز ثابت شده نسبتا دست نخورده در همسایگی آنان در حوزه خزر و در کشورهایی مانند روسیه،ایران،آذربایجان،ترکمنستان و قزاقستان است. همچنین غول‏های آسیایی نوظهور مانند چین و هند،که‏ مرکز ثقل تقاضای انرژی را از غرب به شرق و از اقیانوس‏ اطلس به آسیا کشانده‏اند،نیز در همسایگی آسیای‏ مرکزی و خزر قرار دارند.

مشخصه دوم ذخائر دریای خزر آن است که با وجود نزدیکی به بازارهای مصرف،نفت و گاز استخراجی‏ به راحتی قابل عرضه در مناطق تقاضا نیست.با وجود آنکه از قفقاز تا اروپای شرقی راهی نیست و یا قزاقستان‏ با چین دارای مرز طولانی است،اما جغرافیای منطقه به‏ نوعی است که مسیرهای آبی در این بخش از جهان بسیار کم است و دسترسی به دریاهای آزاد برای بیشتر کشورهای منطقه تنها از طریق کشورهای واسطه‏ امکان‏پذیر است.

دو راه در برابر تولیدکنندگان خزر برای رساندن نفت‏ و گاز تولیدی به بازارهای مصرف وجود دارد:فروختن‏ آن به مصرف کنندگان منطقه‏ای و یا ارسال از طریق خط لوله.فروختن به مصرف کنندگان منطقه‏ای نیز به خط لوله و یا حمل با کشتی در خزر نیاز دارد،اما هزینه آن‏ به لحاظ فاصله نزدیک چندان زیاد نیست.برای مثال، روسیه به گاز تولیدی ترکمنستان و ازبکستان برای‏ مصرف داخلی نیاز دارد.زیرا این امر به روسیه امکان‏ می‏دهد که از گاز سیبری برای صادرات به اروپا،ژاپن و چین استفاده کند.همچنین ایران،با توجه به آنکه دارای‏ پالایشگاه‏های متعدد در بخش‏های میانی کشور است‏ و یا در صدد ساخت دو پالایشگاه دیگر در شمال ایران‏ است،نفت خام تولیدی حوزه خزر را با قیمت ارزان‏ خریداری می‏کند و به جای آن در جنوب و در جزیره‏ خارک،نفت خام را به قیمت بین‏المللی به مشتریان‏ شرکت‏های نفت و گاز دریای خزر ارائه می‏نماید.

دومین راه برای تولیدکنندگان حوزه خزر،استفاده از خط لوله برای انتقال نفت و گاز است.در این بخش از جهان خطط لوله متعددی از گذشته وجود داشته است؛ مانند خطوط لوله شوروی برای ارسال گاز سیبری به‏ اروپا و یا خطوط گاز ایران به جمهوری آذربایجان و ترکیه‏ و یا خطوط لوله نفت قزاقستان به روسیه و همچنین خط لوله ترکمنستان و ازبکستان به روسیه.بیشتر این خطوط خط لوله قزاقستان-روسیه،که نفت خام حوزه تنگیز را به بندر روسی نوروسیسک در کنار دریای سیاه‏ می‏رساند،و یا خط لوله باکو-نوروسیسک،که نفت خام‏ حوزه‏های آذری گونشلی و چراغ را به نوروسیسک‏ رسانده،و یا خط لوله باکو-سوپسا،که نفت آذربایجان را از طریق گرجستان به دریای سیاه می‏رساند،و یا خط لوله آکتائو به سمارا،که نفت خام قزاقستان را تا مرکز روسیه و سپس به دریای بالتیک حمل می‏کند.اما خطوط لوله جدیدی در پس از فروپاشی شوروی در این منطقه‏ ساخته شده‏اند.

در بخش نفت خام خط لوله باکو تفلیس جیحان با ظرفیت یک میلیون بشکه در روز شاخص‏ جهت‏گیری‏های آمریکا و غرب در ارتباط با منطقه است. دولت آمریکا با اصرار زیاد و هزینه 4 میلیارد دلاری که‏ به شرکت‏های نفتی بزرگ تحمیل نمود این خط را راه‏اندازی کرد.این خط نشانگر سیاست‏های غرب برای‏ صدور نفت و گاز از این منطقه به صورت شرقی غربی‏ است که بازارهای اروپا در غرب و چین در شرق را اولویت می‏دهد.

در برابر،ایران و روسیه به خطوط لوله شمالی جنوبی‏ اهمیت می‏دهند.ایران از بندر امیرآباد خط لوله‏ای را به‏ ری کشیده که نهایتا ظرفیت آن به 400 هزار بشکه در روز می‏رسد.روسیه نیز دو خط لوله جدید از سمارا به بندر مورمانسک در دریای بارنتز و بندر پریمورسک در کنار دریای بالتیک را به اتمام رسانده است.هر دو کشور ایران‏ و روسیه در صدد احداث دو خط لوله به موازات طول‏ جغرافیایی هستند.ایران مایل است که خط لوله‏ای از حوزه نفتی کاشغان در قزاقستان به سمت جنوب کشیده‏ شود و پس از عبور از ترکمنستان در مرزهای ایران نفت‏ خام را وارد خطوط لوله قدیمی ایران کند تا به جنوب‏ حمل شده و در دریای عمان و یا خلیج فارس تحویل‏ مشتریان شود.نفت خام انتقالی با این خط لوله برای‏ مشتریان آسیایی مقرون به صرفه است و از لحاظ امنیت‏ انرژی نیز از نقاط بحرانی جهان می‏تواند به دور باشد. مطالعات این خط لوله که به نام (KTl) شناخته شده است، توسط کنسرسیومی از شرکت‏های‏"کازمونای گاز"، توتال،اینپکس و شرکت ملی نفت ژاپن انجام شده و احداث آن از لحاظ اقتصادی تائید شده است.خط لوله‏ دیگر جنوبی شمالی خط لوله گاز ایران به ارمنستان است‏ که نهایتا می‏تواند تا 2 میلیارد متر مکعب گاز سالانه به‏ ارمنستان برساند.

خط لوله گاز روسیه-قزاقستان و ترکمنستان که در ابتدا راجع به آن صحبت شد.یکی دیگر از فعالیت‏های‏ در جهت شمالی جنوبی است.دولت آمریکا در مقابل، به خط لوله دیگر شرقی غربی می‏اندیشد که نفت خام‏ حوزه آسیای مرکزی را به غرب دریای خزر و باکو می‏رساند.این خط ابتدا قرار بود که از بستر دریای خزر بگذرد،اما با توجه به ملاحظات زیست محیطی ایران و روسیه اکنون صحبت از راه‏اندازی یک خط لوله مجازی‏ است.بدین صورت نفت خام استحصالی از کاشغان و تنگیز،با استفاده از تعداد معتنابهی نفتکش که با شرایط دریای خزر انطباق داشته باشند،به سنگچال در نزدیکی‏ باکو حمل و از آنجا به جیحان فرستاده خواهد شد.

کمبود نفت خام برای تغذیه خط باکو-جیحان امری‏ جدی است و شرکت‏های سرمایه‏گذار در این خط نسبت‏ به سوادآوری آن دچار تردیدند.

در میان کشورهای حاشیه دریای خزر همه آنها نسبت‏ به استفاده از همه ظرفیت‏ها و موقعیت‏ها یک صدا هستند. ایران مایل است که خط لوله‏ای از حوزه نفتی‏ کاشغان در قزاقستان به‏ سمت جنوب کشیده شود و پس از عبور از ترکمنستان‏ در مرزهای ایران نفت خام‏ را وارد خطوط لوله‏ قدیمی ایران کند تا به جنوب حمل شود و تنها ایران است که به دلایل سیاسی نمی‏تواند از فرصت‏ها استفاده مناسب را ببر.بدین معنی که روسیه‏ با آنکه در پی احیای منافع خود در منطقه اورآسیا و رقابت‏ با آمریکا و غرب در مسائل قفقاز و آسیای مرکزی است، اما در حوزه انرژی،پس از حادثه 11 سپتامبر 2001، به صورت جدی خواهان سرمایه‏گذاری شرکت‏های‏ بزرگ نفتی بود که بتواند از سرمایه،تکنولوژی و مدیریت‏ آنها برای افزایش تولید نفت و گاز خود استفاده کند.این‏ امر اکنون محقق شده و اکثر شرکت‏های چند ملیتی نفت‏ و گاز،که عمدتا دارای اصل و نسب آمریکایی هستند، در روسیه سرمایه‏گذاری نموده‏اند و در عوض روسیه‏ بزگترین تولید کننده نفت خام جهان گردیده است. جمهوری آذربایجان از دوران حیدر علی اف در زمینه‏ نفت و گاز رو به سوی شرکت‏های غربی آورد تا شاید با استفاده از دلارهای نفتی و لابی شرکت‏های نفتی در هوستون و واشنگتن و لندن بتواند نیروهای ارمنی را از اراضی آذربایجان عقب براند.گر چه تولید نفت آذربایجان‏ بیشتر شده و گاز نیز از حوزه شاه دنیز در حال استخراج‏ است،اما آذربایجان با دیپلماسی نفتی خود نتوانست‏ کویت دوم شود و به نوعی هم‏اکنون در حال ایجاد توازن‏ مابین روابط خود با واشنگتن و مسکو است.قزاقستان‏ نیز با سرمایه‏گذاری شرکت‏های آمریکایی در حال‏ جریان دادن نفت کاشغان،بزرگ‏ترین حوزه نفتی خزر، است و در عین حال که روابط خود را با مسکو دوستانه‏ نگاه داشته است.هر چند که عوارض عبور نفت خام از خاک روسیه برای قزاق‏ها شدیدا افزایش یافته است،اما قزاقستان در حال تکمیل بخش‏هایی از خط لوله‏ای است‏ که نفت را از غرب به شرق قزاقستان حمل و از آنجا به‏ چین صادر می‏کند.رئیس جمهور جدید ترکمنستان‏ برای بیرون بردن این کشور از انزوای دوره قبل از دیپلماسی گاز استفاده می‏کند.از همین رو طرح احداث‏ خط لوله‏ای که نهایتا به چین برسد و یا خط لوله‏ ترکمنستان افغانستان و پاکستان بار دیگر در مذاکرات‏ مطرح گشته است.

اما سیاست خارجی ایران با نوعی فراموشی و عدم‏ توجه دریای خزر و مناطق مجاور آن همراه گشته است. در حالی که رقابت برای جذب سرمایه‏گذاری در بخش‏های دیگر خزر تا حدود 60 میلیارد دلار موفق‏ بوده است،در بخش ایرانی خزر تا کنون هیچ‏ سرمایه‏گذاری خارجی جذب نشده است.با توجه به‏ مزیت‏های متعدد جغرافیایی و حجم تقاضا برای نفت و گاز خزر در داخل ایران،به نظر می‏رسد که از همه‏ ظرفیت‏ها استفاده نشده است.وضعیت خاص دریای‏ خزر نیازمند نوع قراردادهایی است که شرکت‏های‏ حمل و نقل کالا در دریای‏ خزر عمدتا با کشتی‏های‏ روسی انجام می‏شود. به تازگی شرکت‏های ایرانی‏ در تلاشند تا سهمی از حمل و نقل کالا توسط کشتی‏های‏ ایرانی دست و پا کنند

سرمایه‏گذار خارجی را جذب کند،اما قراردادهای بیع‏ متقابل این توانایی را ندارند.روش‏هایی مانند مشارکت‏ در تولید و با قراردادهای از نوع خدمت جدیدتر کارآیی‏ بیشتری در این منطقه دارند.همچنین سیاست خارجی‏ ایران تاکنون از رسیدن به یک مصالحه در مورد رژیم‏ حقوقی دریای خزر عاجز بوده است.این رژیم می‏تواند نتیجه‏ای از جمع بهینه منافع ما در بخش‏های حاکمیت‏ بر آب‏های دریا،نفت و گاز،شیلات،حمل و نقل و محیط زیست باشد،در عین حال که در همه بخش‏ها نقاط حداکثر را نمی‏پوشاند.

هم‏اکنون ایران در دریای خزر می‏تواند به انجام‏ پروژه‏های مشترک با همسایگن بلافصل خود بپردازد. اکتشاف و استخراج مشترک از حوزه البرز می‏تواند در دستور کار مذاکرات با جمهوری آذربایجان قرار بگیرد.

شرکت‏"پتروبراس‏ برزیل‏"نیز در آستانه‏ و توسعه در میادین‏ ایرانی خزر به مبلغ‏ 450 میلیون دلار است‏16

همچنین از بلوک‏هایی در آب‏های نزدیک به ترکمنستان‏ و ایران می‏توان برای فعالیت‏های مشترک استفاده کرد. حمل و نقل کالا در دریای خزر عمدتا با کشتی‏های‏ روسی انجام می‏شود.به تازگی شرکت‏های ایرانی در تلاشند تا سهمی از حمل و نقل کالا توسط کشتی‏های‏ ایرانی دست و پا کنند.در سال 2006 کشتیرانی جمهوری‏ اسلامی ایران قرارداد ساخت چهار کشتی 6750 تنی را با شرکت‏های روسی امضا کرد.این کشتی‏ها از اوائل‏ 2007 به آب انداخته شده‏اند.این کار،ظرفیت کشتی‏های‏ ایرانی را،که اکنون 25 هزار تن است به 52 هزار تن افزایش‏ خواهد داد.روسیه هم‏اکنون دارای حدود 100 کشتی‏ است.اگر ظرفیت هر یک از این کشتی‏ها را به صورت‏ متوسط 5 هزار تن در نظر بگیریم،ظرفیت کشتیرانی‏ روسیه در دریای خزر بالغ بر 500 هزار تن خواهد شد که‏ حدود 10 برابر ظرفیت ایران است.به لحاظ مزیت داشتن‏ کشتی‏های روسی در لنگر گرفتن در بنادر روسی خزر، کشتی‏های ایرانی برای حمل بار توسط صاحبان کالا در اولویت نیستند،در حالی که سازمان بنادر و کشتیرانی‏ ایران می‏تواند با مقابله به مثل وضعیت رقابتی برای‏ کشتی‏های ایرانی ایجاد کند.

به تازگی شرکت ملی نفتکش ایران ده کشتی 60 هزار تنی برای حمل نفت خام سفارش داده است که می‏تواند برای انتقال نفت از هر نقطه خزر به نقطه دیگر مورد استفاده‏ قرار بگیرد.این کشتی‏ها می‏توانند علاوه بر مسیرهای‏ منتهی به ایران در مسیر آکتائو به باکو نیز تردد کنند و سهمی از صادرات نفت خام خزر را داشته باشند.

ایران در حال اتمام ساخت سکوی نیمه شناور البرز است.تحویل این سکو می‏تواند شرکت‏های نفت ایران‏ را در حوزه‏های مرکزی خزر برای اکتشاف فعال سازد. شرکت‏"پتروبراس برزیل‏"نیز در آستنه امضای قرارداد اکتشاف و توسعه در میادین ایرانی خزر به مبلغ‏ 450 میلیون دلار است.در صورت امضا و اجرایی شدن‏ قرارداد،این اولین سرمایه‏گذاری شرکت‏های خارجی‏ در بخش ایرانی خزر خواهد بود.

و بالاخره مسیر فشارهای کشورهای بزرگ برای‏ متوقف نمودن فعالیت‏های هسته‏ای ایران به سمت‏ تحریم‏های مالی و سیاسی پیش می‏رود.بعید نیست که‏ اعمال چنین تحریم‏هایی،که اکنون از حمایت نسبی‏ شورای امنیت نیز برخوردارند،علیه ایران شروع شود. در این حالت،ایران نیاز به روش‏ها و همچنین مسیرهای‏ تازه برای ارتباطات اقتصادی و سیاسی خود دارد.خزر و همسایگان آن یکی از این مسیرهاست.